



جستجو در درختواره



جستجو در منی



مرتب سازی بر اساس



2 - «کتاب الحج» - 12/06/85

بیان شد که حج از اهم ارکان اسلام است و از روایاتی که در آینده بیان می شود، خواهیم دانست که عبادتی متفاوت از عبادات دیگر است. مقدمتاً سه امر را بیان می کنیم:

1- معنای لغوی و اصطلاحی حج.

2- اهتمام شارع به حج .

3- فلسفه، حکمت و آثار حج.

در بحث اوّل بیان شد که همه ارباب لغت متفقند که معنای لغوی حج قصد است و در مشتقات حج مثل المحجّة و یا حجتّ این معنا دیده می شود.

بعضی معنای اصطلاحی آن را به معنای لغوی پیوند داده و بعضی با قطع نظر از معنای لغوی حج را تعریف کرده اند.

نکته: آیا حج حقیقت شرعیّه است یا قبل از اسلام هم بوده تا حقیقت شرعیّه به معنی شرع مقدّس اسلام نباشد بلکه به معنی شرع مقدّس غیر از اسلام باشد؟

در قرآن خدا خطاب به حضرت ابراهیم **(علیه السلام)** می فرماید:

«أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» (1)
آیا این حج همان حج است و خطاب به حضرت ابراهیم**(علیه السلام)** به لسان عربی بوده؟

ما می توانیم با تمسّک به این آیه بگوییم کلمه حج در شریعت حضرت ابراهیم حقیقت شرعیّه بوده و به عرب جاهلی و سپس به اسلام منتقل شده چون می دانیم به زبان عربی بر ابراهیم وحی شده است، بلکه به احتمال قوی به زبان عربی نبوده است؛ بلکه عرب جاهلی طواف و رفتن به منی را داشتند و مناسکی را به جای می آوردند و احتمالاً سعی را هم انجام می دادند، چون بر بالای صفا و مروه بتهای «اساف و نائله» را گذاشته بودند، بنابراین لفظ حج در عرب جاهلی بوده است، پس این که ادّعا کنیم حج

حقیقت شرعیّه ندارد نیست و حقیقت مشترعه است. حرف عجیبی است چون در زمان پیامبر**(صلی الله علیه وآله)** و حتّی قبل از ایشان هم بوده است و می توان گفت اسلام این لفظ را برای این حقیقت وضع کرده بلکه یک حقیقت شرعی شرایع

سابقه بوده است.

جمع بندی:

1- لفظ حج قطعاً در زمان پیامبر برای مناسک مخصوص بوده است.

2- قبل از اسلام در زمان عرب جاهلی حج برای مناسکی همراه با خرافات بوده است.

3- از زمان حضرت ابراهیم**(علیه السلام)** حقیقت حج بوده ولی می دانیم که آیا با لفظ حج بوده یا غیر آن.

2. اهتمام شارع به امر حج:

شواهد و قرائن متعدّدی داریم که امر حج در اسلام بسیار مهم است:

شاهد اوّل: حج و احکام حج در آیات قرآن به صورت گسترده حتّی گسترده تر از هاز و روزه آمده است. آیات قرآن در مورد ارکان و اجزای هَاز (مثل رکوع، قرائت، سجود، تشهُّد، رکعات) خیلی کمرنگ است ولی اجزا و احکام حج به صورت گسترده بیان شده است مثل طواف، وقوف عرفات و مشعر، قربانی، سعی صفا و مروه، احرام و کفّارات احرام همه در آیات قرآن آمده است که معلوم می شود حج از نظر اسلام اهمیّت فوق العاده ای داشته است. بیشترین احکام حج در سوره بقره و آل عمران و در سوره حج و توبه هم مقداری از احکام آمده است. لفظ «حج» نه بار و «حاج» یک بار در آیات قرآن آمده است. البتّه لفظ «صلوة» در قرآن بیشتر ولی احکام آن کمتر آمده است.

واژه «المسجد الحرام» و «الکعبه» در قرآن متعدّد است ولی احکام و ارکان حج گسترده است و غالب آنها در قرآن آمده که نشانگر اهمیّت حج در اسلام است.

شاهد دوّم: تعبیراتی در آیات داریم که در مورد هیچ عبادتی نیست، از جمله آیه ذیل:

«و لله على الناس حج البيت و من استطاع إليه سباً من كفر فانّ الله غنى عن العالمين» (2)
در این آیه نکاتی قابل توجّه است:

الف) تعبیر **«لله»** نشانگر این است که خداوند حج را یک بدهی نسبت به خود قرار داده ولی در مورد واجبات دیگر چنین می فرماید، به عنوان مثال در مورد روزه می فرماید **«كتب عليكم الصيام» (3)** و یا در مورد صلوة می فرماید: **«إنّ الصلوة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً» (4)**
بنابراین حج اعتبار دینی دارد، مانند نذر که با تعبیر «لله» استعمال می شود و این تعبیر در مورد هیچ عبادتی نیست.

ب) تعبیر **«من استطاع إليه سبلاً»** حج را سبیل به سوی خدا شمرده است که این تعبیر در مورد صلوة و صوم نیست.

ج) مراد از تعبیر **«من كفر»** کفر اعتقادی نیست بلکه به معنای معصیت است، چرا که کفر پنج معنا دارد که یک معنایش معصیت است (یعنی من کفر به معنی من عصى است) حال این که به جای عصیان کلمه کفر به کار برده شده نشانه اهمیّت آن است.

است. یعنی این عصیان یک عصیان فوق العاده است.

د) تعبیر **«إنّ الله غنى عن العالمين»** به، لحن اعراض است، مثل این که به کسی می گویی فلان کار را انجام بده و اگر انجام نداد، می گویی برو من نیازی ندارم.

این جهات در آیه نشان می دهد که خداوند به حج اهمیّت فوق العاده ای داده است.

آیه دیگر **«يسئلونك عن الأهلّة قل هي مواقيت للناس والحج» (5)** است؛ مطابق آیه این حرکت تدریجی از نقصان به کمال و از کمال به نقصان یک تقویم طبیعی است که همه می توانند از آن استفاده کنند. آیا عبادت دیگری غیر از حج داریم که با ماههای قمری تعیین شود؟ صوم، زکات و خمس همه با ماهها تعیین می شود ولی خداوند اینها را ذکر نکرده که این نشان دهنده اهمیّتی است که شارع مقدّس برای حج گذاشته است.

خارج فقه

خارج اصول

اخلاقی

تفسیر

عقاید

پی نوشت:

تاریخ انتشار: « 1279/01/01 »

مطالب مرتبط

128- م 46(توقّف تخلیه السرب علی قتال العدو) - 16/03/86

127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86

126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) - 08/03/86

* متن

پست الکترونیک



نام و نام خانوادگی

تعداد بازدیدکنندگان : ۲۵۲۳



فارسی

العربية

اردو

Azerbaijani

Русский

English

Español

Français